

---

## چالش‌های سیاست خارجی آمریکا در جنوب آسیا: با تمرکز بر افغانستان و پاکستان

---

مهدی طاهری\*

محمد رضا کیانی\*

### دیاچه

در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از حملات ۱۱ سپتامبر رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که جنگ علیه تروریسم آغاز شده و احتمالاً مدتی نیز به طول خواهد انجامید. ایالات متحده آمریکا و نیروهای ائتلاف برای از بین بردن تهدیدات ناشی از تروریسم خود را متعهد به ایجاد تغییراتی ضروری در نقاط مختلف جهان کردند حذف تهدیدات

---

\* مهدی طاهری، دستیار ارشد فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) و مدیر اجرایی انجمن ایرانی روابط بین‌الملل است. (mtaheri1982@yahoo.com)

\* محمد رضا کیانی، دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل است.

پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال هفتم، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۸۹-۱۶۷.

تروریستی،<sup>(۱)</sup> تعقیب کشورهای پناهمانی برای تروریست‌ها محسوب می‌شوند و گسترش دمکراسی از مهم‌ترین تغییراتی بودند که ایالات متحده و متحدانش در پی ایجادش بودند. جنگ علیه افغانستان اولین جنگ رسمی علیه تروریسم است در واقع جنگ علیه تروریسم بخش مرکزی سیاست خارجی دولت بوش است که بر منطق نوینی از رئالیسم استوار است که ترکیبی از نو محافظه‌کاری و در عین حال تفکرات لیبرالیستی را در بر می‌گیرد.

اما واقعیت این است که پس از گذشت ۸ سال از آغاز جنگ می‌توان ادعا کرد که این حضور نظامی چالش عمده‌ای را برای سیاست خارجی آمریکا ایجاد کرده و به کشته شدن هزاران نفر انجامیده است<sup>(۲)</sup> به عبارت دیگر حضور نظامی آمریکا در منطقه پس از ۱۱ سپتامبر از حضور این کشور در جنگ جهانی اول و دوم نیز طولانی‌تر شده است<sup>(۳)</sup> و حتی بیم آن می‌رود که با طولانی‌تر شدن این چالش منافع استراتژیک آمریکا و متحدانش در این منطقه به خطر بیفتد. تامین امنیت بوسیله حمایت متحدان در کوتاه و انتقال آن به افغان‌ها در آینده، همکاری بیشتر و سازنده با مقامات ارشد و مبارزان مخالف القاعده، ارتقای حکومت مداری و توسعه با تاکید بر رعایت موازین حقوق بشر و توسعه اقتصادی و مبارزه با فساد از ابعاد مختلف ابعاد استراتژی ایالات متحده در افغانستان است که نتوانسته نتایج ملموسی از نظر امنیت بر جای گذارد.<sup>(۴)</sup> فی الواقع جنگ در افغانستان همواره برای نیروهای بیگانه گرفتاری‌های بی‌شماری ایجاد کرده است<sup>(۵)</sup> به همین خاطر پل ولفوویتز وزیر دفاع پیشین آمریکا در نوامبر سال ۲۰۰۱ اعلام کرد:

«بی شک یکی از درسهایی که از تاریخ افغانستان بایستی آموخت این است که اگر خارجی هستید در صورت امکان به این کشور وارد نشوید و در صورتی هم که وارد شدید حضورتان را طولانی نکنید چرا که افغانی‌ها تمایل چندانی به این مسئله نشان نخواهند داد»<sup>(۶)</sup>.

به طور کلی استراتژی کنونی ایالات متحده با چالشهای گوناگونی در جنوب آسیا

روبه روست بویژه در افغانستان و پاکستان و در قسمتهای جنوبی و شرقی این کشورها و با گذر زمان تنش میان نیروهای ائتلاف با نیروهای بومی و تروریستی بیشتر می‌شود.<sup>(۴)</sup> در این پژوهش تلاش می‌کنیم ابعاد چالش‌های داخلی و منطقه‌ای آمریکا را بررسی کنیم و به تحلیل وضعیت تهدید زایی پردازیم که نه تنها ممکن است منطقه آسیای جنوب را به صحنه درگیری میان کشورها تبدیل بکند بلکه ادامه این روند و طولانی‌تر شدن آن می‌تواند منافع حیاتی ایالات متحده و متحدانش را به خطر بیندازد.

### چالش‌های آمریکا در افغانستان

پس از گذشت ۸ سال از حضور نظامی ایالات متحده و متحدانش نمی‌توان شاهد دستاورد قابل توجهی بخصوص وضعیت امنیتی در این کشور بود. اتحاد میان گروه‌های مبارزه جو در افغانستان و پاکستان، اشتباهات اطلاعاتی نیروهای خارجی، فرسایش بالای نیروها، عدم توازن قومی<sup>۲</sup>، تجهیزاتی ناکافی، جنگ سی ساله در میان گروه‌های مختلف قومی و قبیله‌ای و فرقه‌های سیاسی،<sup>(۸)</sup> تنشهای فزاینده میان نیروهای طالبان و نیروهای ائتلاف، ضعف اداری و سیاسی دولت افغانستان و پاکستان که با فساد در آمیخته، کمبود دانش تخصصی و جمعیت تحصیلکرده از ابعاد داخلی چالش‌های ایالات متحده در این کشورها هستند که در اینجا سعی داریم به تجزیه و تحلیل برخی از این چالش‌ها پردازیم. همانطور که به اختصار اشاره شد اتحاد میان گروه‌های مبارزه جو در افغانستان و پاکستان یکی از مسائل مهمی است که بسیار مهم و قابل توجه می‌باشد. بدین صورت که سه گروه قدرتمند طالبان در افغانستان و پاکستان اختلافات خود را حل کرده و با یکدیگر، ذیل عنوان "شورای اتحاد مجاهدین"<sup>۳</sup> متحد شده‌اند. این اقدام در مناطق قبیله نشین پاکستان (وزیرستان) منجر به افزایش قابل توجه درگیریها و اقدامات انتحاری خواهد شد. اقدامی که بر استراتژیهای نوین آمریکا تأثیر قابل توجهی

1. high rates of attrition
2. ethnic imbalances
3. Shura Ittihad-ul-Mujahideen, or Council of United Holy Warriors.

گذاشته است این اتحاد در حالی صورت گرفته که پیشتر ملا عمر رهبر نیروهای طالبان در افغانستان، به گروههای طالبان در پاکستان اعلام کرده بود که مبارزه در داخل پاکستان را متوقف کرده و به نیروهای طالبان در آزادسازی افغانستان از اشغال بیگانگان کمک کنند. طالبان پاکستان متشکل از گروه بیت الله محسود<sup>۱</sup> مولوی نظیر<sup>۲</sup> و گل بهادر<sup>۳</sup> است.

گروه محسود به تنهایی نیروهای پاکستان را هدف خود قرار داده و همچنین متهم به ترور بی نظیر بوتو است از طرفی نظیر و بهادر نیروهایی را برای مبارزه با نیروهای خارجی به افغانستان اعزام کرده‌اند. حضور این گروه‌ها در افغانستان اگر چه می‌تواند به ایجاد آرامشی نسبی در پاکستان کمک کند اما به نیروهای ناتو بویژه نیروهایی که در مناطق شرقی و جنوبی افغانستان حضور دارند آسیب جدی وارد خواهند کرد. از سوی دیگر اتحاد طالبان باعث میشود که این گروه ناحیه وزیرستان را تحت کنترل خود درآورند.<sup>(۹)</sup> در پاکستان نیز این همگرایی گروه‌های مختلف طالبان به شیوه دیگری بارز است طالبان توسط نیروهای مزدور آموزش داده می‌شوند که عمدتاً کارشناس بمب‌های کنار جاده‌ای و تک تیر اندازی بوده و عمدتاً تاجیک و ازبک هستند. در قلمرو تحت کنترل گروه بیت الله محسود (جنوب وزیرستان) ستیزه جویان خارجی نظیر مبارزین ازبک فعالیت می‌کنند که شاخه‌ای از القاعده با نام جنبش اسلامی ازبکستان هستند.<sup>۴</sup> رهبری این مبارزین ازبک را شخصی به نام طاهر یلداشف<sup>۵</sup> بر عهده دارد مبارزین عرب در منطقه دیگر مستقر هستند که توسط فرماندهی مولوی نظیر که رقیب گروه بیت الله محسود است کنترل می‌شوند و تحرکات این دو گروه مورد بررسی و توجه ایالات متحده آمریکا است.

- 
1. Beitullah Mehsud
  2. Maulvi Nazir
  3. Gol Bahador
  4. Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)
  5. Tahir Yuldashev

در نتیجه مقاومت<sup>۱</sup> به رفتار ایدئولوژیک گروه‌های افراطی و مشخصه بارز آنها در این کشورها تبدیل شده است و گروه‌های مبارزه جو بومی انگیزه‌های لازم برای پذیرش طرح‌های مورد نظر غرب را ندارد چرا که تا حدودی توانسته‌اند در جامعه افغان نفوذ کنند و نگرش آنها بر این مسئله استوار است که آنها بر نیروهای خارجی پیروز خواند شد حکومت کرزای را سرنگون و نیروهای بیگانه را از کشورشان بیرون خواهند کرد.<sup>(۱۰)</sup> از طرفی نیروهای آمریکایی متهم به اشتباهات اطلاعاتی در مبارزات خود با شورشیها هستند.<sup>(۱۱)</sup> در گزارشی انتقادی از موسسه تحقیقات دفاع ملی آمریکا<sup>۲</sup>، تردیدهای جدی در مورد نحوه عملیات ضدشورش در افغانستان و وضعیت اطلاعاتی این عملیات‌ها وجود دارد. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با مقامات سیاسی و اطلاعاتی انگلیسی، آمریکایی، کانادایی و هلندی، سربازان آمریکایی تمایلی به انتقال اطلاعات و تقسیم این اطلاعات در میان متحدینشان ندارند. این گزارش نشان می‌دهد که فرماندهان نظامی از منابع مختلف اطلاعاتی تغذیه می‌شوند و روند انتقال اطلاعات به این فرماندهان منسجم نیست. جمع آوری اطلاعات در برخی موارد از طریق دادن رشوه و ارائه پادشهای مالی به افراد بومی صورت می‌گیرد از طرفی پیشرفتهای نظامی و سیاسی در عراق و افغانستان که از سوی مصاحبه کنندگان و نویسندگان بیان می‌شوند، در اغلب موارد موثق نیست و بسیاری از نیروهای نظامی درگیر در این دو کشور، فاقد توان و مهارت لازم برای انجام اقدامات مقتضی هستند. این گزارش در پایان با اشاره به ضرورت سازماندهی و بازبینی در نحوه جمع آوری اطلاعات نظامی می‌افزاید که در ارزیابی میزان موفقیت عملیات‌های ضدشورش نمی‌بایست صرفاً به مسایل کمی، نظیر تعداد کشته شدگان نیروهای شورشی، میزان جمع آوری تسلیحات و تصرف مناطق توجه کرد، بلکه در نظر گرفتن مسایلی چون تأثیر تحرکات نیروهای ائتلاف بر گسترش درگیری‌ها و به تبع آن، تقویت حس انتقام جویی در میان شورشیان و میزان رضایت افراد غیرنظامی بسیار ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

1. resistance  
2. National security research division

نکته مهم دیگر اینکه جبهه نظامی که توسط طالبان در افغانستان اداره می‌شود توسط شورایی اداره می‌شود که در مرز پاکستان قرار دارد و لازم به ذکر است که برای مدت‌ها پاشنه آشیل نیروهای غربی بوده که در تلاش برای سرنگونی طالبان بودند در حالیکه جنگ در افغانستان ادامه می‌یابد بخش ایدئولوگ و جریان فکری طالبان ملا محمد عمر و شورایی متشکل از ۱۴ نفر در مناطق مرزی سکونت دارند که در بخش غربی بلوچستان قرار دارد اقدامات این شورا را می‌توان در دو بخش کلی توضیح داد اولاً این شورا استراتژی‌های خود را برای حمله به نیروهای غربی ارائه می‌کند و از طرفی برنامه سیاسی و تبلیغاتی وسیع و تأثیر گذاری برای تخریب چهره کرزای دارد به عبارت دیگر جنگ در افغانستان در بلوچستان سازماندهی شده و عملیاتی می‌شود.<sup>(۱۲)</sup>

### استراتژیهای ایالات متحده در پاکستان

افزایش خشونت طلبی و ستیزه جویی، دولت ضعیف و بی‌ثباتی اقتصادی همه و همه چرخه خطرناکی را در پاکستان پدید آورده است از طرفی استراتژی‌های اعمالی آمریکا از جمله راه حل‌های کوتاه مدت برای ایجاد صلح، انعقاد قراردادهای نظامی، اختصاص بودجه‌های کلان و از همه بدتر عدم شناسایی ساختار قبیله‌ای و محلی این کشور نتایج ملموسی به دنبال نداشته است. عدم کنترل و مدیریت مناسب بحران توسط نیروهای غربی و عدم بهبود امنیت بر افکار عمومی بی‌تأثیر نبوده است به طور کلی افکار عمومی پاکستان بر این باورند که در دهه‌های اخیر بخاطر حاکمیت دولتهای نظامی در این کشور فرصتهای بی‌شماری برای این کشور از کف رفته و نتیجه‌ای جز جنگ داخلی و کشتار روز افزون و توسعه نیافتگی اقتصادی - فرهنگی و سیاسی در پی نداشته است.<sup>(۱۳)</sup> افکار عمومی در منطقه کراچی و اسلام آباد بر این باور است که ایالات متحده آمریکا سازماندهی حملات یازده سپتامبر را بر عهده داشته است.<sup>(۱۴)</sup> دوران پر چالشی در حال ظهور است درست دو ماه پس توافق با طالبان برای اجرا کردن قوانین شریعت

در منطقه سوات، ارتش پاکستان مجبور به مداخله جدی در این فرایند شد چرا که نیروهای طالبان پیشروی کرده و پای خود را از توافقات صورت گرفته فراتر گذاشته و در پی گسترش کنترل خود به درون منطقه بونر<sup>۱</sup> برآمدند اقدامی که با واکنش شدید ارتش پاکستان مواجه شده است.

نکته قابل توجه اینکه، افکار عمومی اگر چه با اقدامات طالبان مخالفند اما از انجام عملیات شدید ارتش و نیروهای نظامی‌های علیه نیروهای طالبان نیز موافق نیستند. از طرفی جنگ مابین نیروهای طالبان و دولت پاکستان در کوههای شمال پاکستان به طور آشکار میان دو گروه مشخص و تعریف شده نیست بلکه می‌توان گفت این درگیری‌ها ترکیبی از جنگ و سیاست می‌باشد بدین معنی که گاهی مذاکره جایگزین درگیری‌های شدید می‌شود. مردم منطقه شمال پاکستان از جهاد نیروهای افغان طالبان علیه اشغالگران آمریکایی حمایت می‌کنند و نیروهای طالبان پاکستان با اتحاد خود با این جهادگرایان وجه قابل توجهی در میان مردم منطقه به دست آورده است از طرفی جدای از چند استثنا، سیستم قضایی پاکستان به قدری نابسامان و فاسد است که مردم تمایل بیشتری نسبت به اجرای قوانین شریعت طالبان دارند و از آن حمایت می‌کنند. حزب ملی عوامی<sup>۲</sup> در شهر کراچی به شدت از حمایت مردم برخوردار است. حزب ملی عوامی مذهبی و میانه رو است و در منطقه شمال غرب پاکستان نفوذ و تسلط دارد نفوذ طالبان در این منطقه باعث ایجاد تنشهایی در بین پشتون‌ها و اکثریت مهاجر<sup>(۱۵)</sup> شده است. در جریان درگیری اخیر بین جنبش متحد اقوامی و پشتون‌ها سی و دو نفر کشته شدند که اکثریتشان پشتون بودند و ادامه این تنش‌ها و رقابت‌های بین قومی و مشکلات مالی و اقتصادی باعث محو تمرکز ارتش پاکستان در مبارزه با طالبان خواهد شد. اما با این همه ایالات متحده به ایجاد پیشرفتهایی در این کشور باور دارد که جداگانه به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱. این منطقه در شصت کیلومتری اسلام آباد قرار دارد.

2. Awami National Party (ANP)

## روی کار آمدن دولت مشروع در پاکستان

دولت فعلی در حالی که از ضعف و بی‌ثباتی رنج می‌برد اما نسبت به دول پیشین از مشروعیت بیشتری برخوردار است و در فوریه ۲۰۰۸ شاهد انتخابات مردمی و قانونی بوده است که دارای قدرت بالقوه‌ای نسبت به دولت نظامی مستبد پیشین جهت تجهیز مردم پاکستان در مبارزه با شورشیان و تقویت کردن موسسات غیر دولتی است محبوبیت مشرف در پایان زمامداریش به طرز چشمگیری کاهش یافت و تمامی سیاستمداران نی که وی را یاری می‌کردند وجهه خود را از دست دادند .

## کسب حمایت‌های جهانی از پاکستان

پاکستان علاوه بر آمریکا حامیان زیادی در منطقه دارد که به این کشور در مواجهه با چالش‌های پیش روی کمک می‌کنند . کشورهای کلیدی به خوبی دریافته‌اند که این کشور در معرض نابودی است متحدین پاکستان متشکل از انگلیس، فرانسه، ایالات متحده، چین عربستان سعودی امارات متحده عربی، کانادا، ترکیه، استرالیا، ژاپن و ایتالیا هستند به علاوه سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا و بانک جهانی و... حمایت خود را برای ایجاد دموکراسی و امنیت در این کشور اعلام کرده‌اند .

## کنگره آمریکا

در سال گذشته کنگره گام‌های موثری در راستای تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا به سمت جدید برداشته است و نهادهای استراتژیک مهمی مشاوره‌های مهمی در رابطه با پاکستان ارائه می‌کنند. ریاست پیشین سنا و معاون فعلی اوپاما، جوزف بایندن و ریچارد لاگر عضو کمیته روابط خارجی سنا از افزایش و تقویت روابط با پاکستان خبر داده‌اند و ازارائه کمک‌های قانونی برای گسترش روابط فراتر از روابط نظامی و تصویب ۷/۵ میلیارد دلاری به منظور کمک به مردم پاکستان خبر داده‌اند.

## دولت جدید اوپاما

بی اعتمادی که دولت و مردم پاکستان نسبت به دولت بوش داشتند به تدریج به دنبال همکاری‌های پاکستان و دولت جدید اوپاما کمتر شده است. دولت اوپاما قادر است تا روابط میان پاکستان و امریکا و حتی همسایگان این کشور را اصلاح کند<sup>(۱۶)</sup> و فرصت‌های جدیدی را برای نیل به راهکارهای جدید جهت جلب همکاری‌های بین‌المللی با پاکستان انجام دهد.

## قدرت گرفتن دولت غیر نظامی پاکستان

این دولت در پی تقویت جامعه مدنی و کمک به توسعه سیاسی و اقتصادی پاکستان است. قدرت پاکستان از طریق غیرنظامی به ثبات این کشور می‌انجامد و به توسعه سیاسی و اقتصادی آن منجر می‌شود.

## استراتژی‌های ایالات متحده

به طور کلی استراتژی‌های ایالات متحده به دو بخش تقسیم می‌شود:

■ استراتژی کوتاه مدت در مقابله با تروریسم<sup>(۱۷)</sup> (نظامی)

■ استراتژی‌های بلند مدت بوسیله قدرتمند ساختن ساختارهای سیاسی و اقتصادی

پاکستان (سیاسی)

دولت جدید امریکا، کنگره و مجامع بین‌المللی برای کمک به پاکستان جهت نیل به امنیت در دهه آینده تلاش می‌کنند. لازم به ذکر است که اهداف امریکا در پاکستان عبارتند از نابودی القاعده، طالبان و سایر گروه‌های شورشی در پاکستان، تامین امنیت مرزی بین پاکستان و همسایگان مانند درگیریه‌های مرزی در کشمیر - میان هند و پاکستان - و دوراند<sup>۱</sup> میان افغانستان و پاکستان، ایجاد یک سیستم سیاسی با ثبات بر مبنای مشارکت گسترده پاکستانی‌ها، ایجاد اقتصاد قوی و هماهنگ با اقتصاد جهان.

برای نیل به این اهداف سیاست خارجی ایالات متحده در قبال پاکستان مبتنی است بر:

### ۱. به‌کارگیری استراتژی جهت تشخیص اهمیت منطقه‌ای و چالش‌های داخلی

#### پاکستان

کشورهای پاکستان، افغانستان و هند ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند بنابراین سیاست خارجی ایالات متحده با توجه به این عامل تنظیم میشود شرایط در افغانستان به طور مستقیم تحت تأثیر بی‌ثباتی‌های موجود در مرزهای غربی پاکستان است و تنش‌های میان پاکستان و هند بر استراتژیهای نظامی پاکستان در سرکوب چالش‌های داخلی تأثیر گذار است. استراتژی ایالات متحده برای مدتها به جای تقویت همکاری و همگرایی در روابط افغانستان، پاکستان و هند، این کشورها را در یک قالب در هم تنیده نمی‌دید در صورتیکه با گذر زمان مشخص شد که استراتژی موفق استراتژی منطقه‌ای است که سیاست امنیت پاکستان را در ارتباط با هند به ویژه در ارتباط با افغانستان و کشمیر در نظر بگیرد.

### ۲. سازماندهی پشتیبانی بین‌المللی برای کمک به پاکستان

تلاش منسجم و هماهنگی برای کمک و حمایت از پاکستان توسط کشورها و سازمانهای اصلی و مهم در حال شکل‌گیری است. چالش‌های گوناگونی نظیر تهدیدات امنیتی ناشی از فعالیت گروه‌های تروریستی، بحران در ساختار سیاسی این کشور، مشکلات متعدد اقتصادی و ... که پیش روی این کشور است تنها با حمایت و پشتیبانی بین‌المللی بر طرف خواهد شد. پاکستان نسبت به مداخله یک جانبه ایالات متحده بدگمان است و حمایت چند جانبه به نحو بهتری پاسخگوی مشکلات این کشور خواهد بود گرد همایی شرکای پاکستان در ماه سپتامبر ۲۰۰۸ در شست و چهارمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل با حضور چین، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بانک جهانی همراه بود این کشورها از نظر امنیتی و اقتصادی، ارتباط خوبی با

پاکستان دارند نیروی کار و متخصص این کشورها و منابع مالی سرشار این کشورها و سازمانها می‌تواند علاوه بر تسریع کمک‌های ایالات متحده به پاکستان به ایجاد امنیت و رشد اقتصادی این کشور کمک کند. ایالات متحده به ویژه در تلاش برای بهره‌گیری از مشاوره با چین در مورد پاکستان است چرا که این دو کشور، با وجود ثبات در پاکستان، به نحو بهتری می‌توانند به منافع خود دست یابند. چین نگرانی‌های قابل توجهی در مورد گروه‌های مبارزه جو اسلامی دارد و قادر است که نقش سازنده‌ای در پاکستان ایفا کند.<sup>۱</sup> ایالات متحده همچنین در پی همکاری‌های گسترده تر با همسایگان پاکستان و سایر قدرت‌های بین‌المللی است و سازمان ملل نیز در پی یاری رسانی به این کشور از طریق نهادهای مالی بین‌المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است.

### ۳. تقویت روابط استراتژیک ایالات متحده آمریکا با پاکستان

تغییر استراتژیک سیاست ایالات متحده آمریکا می‌بایست تنها تمرکز صرف بر عملیات نظامی و اطلاعاتی نداشته باشد. مشکلات پاکستان صرفاً به تمرکز بر اهداف نظامی حل و فصل نمی‌شود. ثبات بلند مدت تنها با تمرکز بر مسائل نظامی حل نخواهد شد بلکه تقویت و توسعه اقتصادی این کشور، توسعه جامعه مدنی و دموکراسی و کمک به کاهش تنش میان پاکستان و همسایگان این کشور نیز باید در دستور کار قرار گیرد. رویکرد دولت ایالات متحده ایجاد یک استراتژی منسجم در غالب منطقه‌ای است این کشور در پی مصالحه و مذاکره با رهبران نهادهای مدنی این کشور و بهبود جامعه مدنی این کشور نیز می‌باشد که در راستای اهداف نظامی این کشور است. تقویت همکاری‌های نظامی - اطلاعاتی، توسعه اقتصادی، انرژی، کمک‌های آموزشی و... در راستای استراتژی‌های این کشور است. ایجاد ارتباط استراتژیک و تاکید بر منافع متقابل در راستای سیاست‌های دولت اواما است این اهداف تاکتیکی و استراتژیک است که در

۱. لازم به ذکر است که چین نقش مهمی در حل مشکلات موجود در شبه قاره کره ایفا کرد.

راستای استراتژیک ضد شورش این کشور است .

#### ۴. حمایت از ارتش پاکستان

ایالات متحده آمریکا می‌بایست رابطه خود را از نظر نظامی و اطلاعاتی تقویت کند اما این فرایند باید به نحوی انجام پذیرد که منجر به فشار و سرکوب جامعه مدنی در داخل پاکستان نشود تقویت ارتش بایستی به عنوان جزیی از دولت پاکستان مد نظر باشد نه به عنوان نهادی مستقل. کمک‌های نظامی آمریکا باید اهدافی مشخصی را دنبال کند و منجر به نابودی مبارزان تروریست شود.

#### ۵. حمایت از توسعه دموکراتیک در پاکستان

حمایت از توسعه و اصلاحات سیاسی، حمایت از احزاب این کشور، توسعه اقتصادی برای تقویت امنیت از دیگر راهبردهای آمریکا است. این موضوع به ثبات سیاسی این کشور و تحکیم روابط با آمریکا می‌انجامد.

#### ۶. قاعده مند کردن کمک‌های اقتصادی

چرا که ارتش این کشور از برخی گروه‌های تروریستی حمایت مالی میکند ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۸ یازده میلیارد دلار تسهیلات و اعتبار در اختیار این کشور نهاد، اما نحوه استفاده از این بودجه‌ها از شفافیت لازم برخوردار نبوده است. ایالات متحده آمریکا مبلغ یک میلیارد دلار در سال به پاکستان کمک نظامی می‌کند (سناتور دموکرات جان کری، رئیس کمیته روابط خارجی سنا، اخیراً از عزم خود برای سه برابر کردن کمک‌های غیرنظامی آمریکا به پاکستان خبر داده.... بخش عمده‌ای از هفت و نیم میلیارد دلار کمک پیشنهادی طی دوره‌ای پنج ساله در راستای راه سازی، ساخت مدارس و مراکز درمانی در نقاط دورافتاده پاکستان مورد استفاده قرار خواهد گرفت و به گفته سناتور کری این اقدامات نشانه‌ای از تعهد بلندمدت واشنگتن به مردم

پاکستان است... واشنگتن پست در مقاله‌ای به قلم احمد رشید می‌نویسد منوط کردن کمک‌ها به بهبود روابط با هند، مبارزه با طالبان، و فراهم کردن امکان دسترسی به عبدالقدیرخان، پدر برنامه هسته‌ای پاکستان، امتیازهایی است که هر حکومت سیاسی در پاکستان در صورت پذیرفتن آن بعید است دوام بیاورد).

کمک‌های نظامی اطلاعاتی، بعد دیگر استراتژی‌های ایالات متحده آمریکا است این کشور برای مثال هفتاد تکنیسین متخصص و نیروی ویژه به پاکستان اعزام کرده است در همین رابطه در سال گذشته نیروهای آمریکایی، در زمینه ارتباطات، تاکتیکها و استفاده از تسلیحات به یکصد و بیست سرباز پاکستانی آموزش دادند.

به طور کلی می‌توان گفت ایالات متحده می‌بایست سیاست‌های خود را در قبال پاکستان تغییر داده و جایگاه پاکستان در امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را بهتر درک نموده و محدودیت‌هایش را در سیاست‌های خود لحاظ کند. از طرفی تکیه صرف به عملیات نظامی برای تامین امنیت و ثبات در پاکستان کافی نیست و راهکارهای دیگری نظیر تقویت دولت، کمک به توسعه سیاسی<sup>(۱۸)</sup> و اقتصادی می‌بایست لحاظ شود. چرا که چالش‌های پیش روی پاکستان محدود به القاعده نیست بلکه این کشور با معضلات دیگری برای ایجاد امنیت و ثبات نظیر شورش‌های داخلی، دولت ضعیف و شکننده، تنش‌های منطقه‌ای و نابسامانی‌های اقتصادی رو به روست. به طور کلی اگر چه ایالات متحده ۱/۵ میلیارد در سال برای استقرار دموکراسی به پاکستان اختصاص داده<sup>(۱۹)</sup> اما تلاش‌های صورت گرفته به دلیل تفوق قدرت سخت ایالات متحده و مشکلات داخلی در پاکستان، نتوانسته تا به حال نتیجه ملموسی در افکار عمومی پاکستان ایجاد کند و بهبود نگرش غالب پروسه‌ای زمان‌بر و پیچیده است که بایستی مبتنی بر تقویت جنبه‌های غیر نظامی باشد.<sup>(۲۰)</sup>

از طرف دیگر اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده معتقد است که جورج بوش رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا در حمله به عراق، از پاکستان غفلت کرده و عدم توجه به مناطق مرزی و قبیله‌ای شمال غرب این کشور منجر به تقویت

نیروهای طالبان در منطقه شده است. بدان معنا که حمله به عراق خلا قدرتی را بوجود آورده و باعث شده که این نیروها در نواحی قبیله‌ای به تجهیز و تقویت خود پردازند در این زمان اوضاع داخلی پاکستان نیز شرایط مساعدی نداشت و پرویز مشرف رییس جمهور پیشین پاکستان نیز نتوانست در این فاصله شرایط امنیتی مناسبی برقرار کند و به دلیل درک نادرست شرایط، نتوانست به کنترل امور پردازد. از طرفی ارتش پاکستان و دستگاه اطلاعاتی پاکستان هم در این زمان، بر این گمان بودند که می‌توانند برای نیل به اهدافشان از گروههای نظامی مبارز فوق در مناطق قبیله‌ای استفاده کنند. به همین دلیل مستقیماً به این گروهها کمکهای مادی و معنوی کردند این روند (غفلت آمریکا، درک نادرست مشرف و کمک دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی پاکستان به طالبان) رفته رفته ادامه یافت تا اینکه القاعده در مناطق قبیله مذکور نفوذ قابل توجهی کسب کرده و توانست گرایش افراطی گرایانه مردم را بیش از پیش تقویت کنند در همین راستا، نکته قابل توجه این است که جهت‌گیری مبارزات این گروههای ستیزه جو فقط در مقابله با غرب نمی‌باشد. بلکه این درگیریها بعضاً متوجه خود پاکستانی‌هاست.

رهبری این مبارزات شهادت طلبانه را بیت اله محسود<sup>۱</sup> (لشکر طیبه) بر عهده دارد. لازم به ذکر است که پایگاه وی در جنوب وزیرستان<sup>۲</sup> می‌باشد بسیاری از این بمب گذاران نوجوانانی هستند که میانگین سن آنها ۱۲ تا ۱۸ سال است اگر چه علت این حملات تعصبات، افراطی‌گری و عقاید جزمی باشند اما عوامل دیگری که جوانان را به سمت چنین اقداماتی سوق می‌دهد ترکیبی از عوامل دیگری است از جمله عدم وجود شرایط مناسب اقتصادی که به نوعی منجر به ایجاد حس ناامیدی و سر خوردگی می‌شود؛ فساد و ارتشاء؛ تهدید و هراس از شرایط موجود، فقر فزاینده؛ پرداخت مبالغ هنگفت پول توسط طالبان به خانواده‌های این افراد برای انجام چنین عملیاتی.<sup>(۲۱)</sup>

1. Beitullah Mehsud  
2. south Waziristan

معرفی گروه‌های ستیزه جو پاکستان<sup>(۲۲)</sup>

نام گروه	رهبر گروه	مناطق عملیاتی
۱ القاعده	اسامه بن لادن - ایمن الظواهری	مستقر در جنوب و شمال وزیرستان که بطور بالقوه در FATA <sup>۱</sup> و شهرهای اصلی پاکستان (پیشاور و اسلام آباد) حضور دارند.
۲ افغان ها - طالبان	ملامعر	استان قندهار، قطاع، استان بلوچستان پاکستان
۳ شبکه حقانی	جلال الدین حقانی / سراج الدین حقانی	وزیرستان شمالی
۴ جنبش طالبان پاکستان (طالبان پاکستانی، TTP)	بیت الله مسعود (Baitullah Mehsud)	وزیرستان جنوبی
۵ نافذ شریعت (جنبش تقویت قانون اسلامی)	صوفی محمد / مولانا فضل الله	ناحیه سوات / سرحد مناطق شمال غرب
۶ حزب اسلامی گلبدین	گلبدین حکمتیار	شامشاتو / کمپ‌های پناهندگان جلوزی (Jalozai) در استان‌های مرزی شمال غربی
۷ جنبش اسلامی ازبکستان	جمعه نامانگانی (متوفی) طاهر یلداشف	شمال و جنوب وزیرستان
۸ لشکر طیبه (LeT)	حافظ محمد سعید	لاهور / کشمیر
۹ لشکر جهانگوی (LeJ)	ریاض بصرا / اکرم لاهور / مالک اسحاق	ایالت پنجاب / کراچی
۱۰ جیش محمد (JEM)	مسعود اظهر / عبدالجابر	پیشاور / کشمیر
۱۱ حزب المجاهدین	سید صلاح الدین	مظفر آباد / کشمیر (۱۰)

1. Federally Administered Tribal Area تحت کنترل مرکز

## تروریسم طالبانی و چالشهای منطقه‌ای

دولت هند معتقد است پاکستان از کمک‌های ایالات متحده در جنگ با مبارزان افراطی استفاده ابزاری کرده و از امکاناتی که این کشور در اختیارش نهاده بهره می‌جوید و به‌رغم عملیات گسترده نظامی در شمال غرب این کشور، دولت پاکستان تمایل چندانی در به چالش کشیدن طالبان و سایر گروه‌های جهاد گرا ندارد از طرفی دولت پاکستان استقرار امنیت در این کشور را، منوط به ممانعت از اتحاد افغانستان با هند تلقی می‌کنند و اتحاد با بخشی از نیروهای افغان طالبان بعنوان اقدامی استراتژیک برای جلوگیری از این تهدید یعنی اتحاد افغانستان با هند است. از طرفی دولت پاکستان از گروه‌های تروریستی برای انجام عملیات تروریستی در هند و نفوذ در افغانستان بهره می‌جوید<sup>(۲۳)</sup> و همواره نگران بوده که با قدرت‌گیری هند در منطقه منزوی شود و به همین دلیل از برخی گروه‌های افراطی برای اعمال نفوذ در هند و تهدید امنیت این کشور استفاده کرده است. مقامات هند معتقدند که حملات انتحاری اخیر در هند تنها از طریق حمایت‌های لجستیکی پاکستان عملیاتی شده است. طالبان و لشکر طیبه<sup>۱</sup> که سازماندهی حملات اخیر در هند را بر عهده داشته‌اند به مقاصد استراتژیک دولت پاکستان در هند و افغانستان جامه عمل می‌پوشاند از طرفی اقدامات آنها در آمریکا ایجاد ارباب و وحشت کرده باعث جلب حمایت واشنگتن می‌شود.<sup>(۲۴)</sup> اصولاً هند گروه‌های مبارزه جو طالبان را به چند بخش تقسیم می‌کند. طالبانی که در افغانستان حضور دارند. طالبانی که از دولت پاکستان طرفداری می‌کنند و طالبانی که با دولت پاکستان در تخاصم به سر می‌برد که هم اکنون با دولت پاکستان در جنگ به سر می‌برد (۹) از طرف دیگر پاکستان از گروه‌های مبارز افغان طالبان علیه نفوذ و سلطه هند بهره می‌جوید بخصوص در زمانی که نیروهای ائتلاف قصد خروج از افغانستان را داشته باشند.<sup>(۲۵)</sup> بنابراین، ملاحظه می‌شود که تروریسم منطقه‌ای و استراتژی‌های نیروهای ائتلاف چالش‌های قدیمی و در عین حال عمیق

1. Lashkar e Taiba

میان کشورهای همسایه از جمله هند و پاکستان را شدت بخشیده و بیم آن می‌رود که با ادامه روند فعلی دامنه تنش میان این کشورها بیشتر نیز بشود. وعدم مهار این معضل، قاره آسیا را در آینده با عدم امنیت و ثبات شدیدتری مواجه خواهد ساخت.<sup>(۴۶)</sup> از طرفی استراتژی افغانستان-پاکستان دولت اوپاما فرصتی را برای حضور و مذاکره بیشتر با این کشورها فراهم کرده است به نحوی که با قدرت‌گیری مجدد طالبان مبارزه نموده و خطر فزاینده ماشین تروریسم در مناطق مرزی منقطع کند. این استراتژی مبتنی بر افزایش نیروها توسط ایالات متحده و ناتو، صلح با طالبان میانه رو<sup>۱</sup>، تاکید بر رویکردی منطقه‌ای برای حل مشکلات در مناطق قبیله‌ای می‌باشد. هر چند می‌توان اعلام کرد که فقدان مکانیزم‌های عملی برای حل مناقشه و سرکوب شورش محسوس است. بخش دیگر استراتژی ایالات متحده مبتنی بر افزایش نیروها است اعزام ۵۰۰۰۰ نیروی آمریکایی برای عملیاتی کردن تغییر استراتژی از مبارزه ضد تروریسم<sup>۲</sup> به استراتژی ضد شورش<sup>۳</sup> با تاکید بر مذاکره. از طرفی اجرایی کردن این استراتژی در کمر بند قبیله‌ای پشتون<sup>۴</sup> مسئله‌ای غامض در میان جمعیتی است که به طور تاریخی در مقابل هجوم بیگانگان مقاومت کرده و در حال حاضر و پس از ۸ سال از مداخله مستقیم و اشغال رنج می‌برد. نکته مهم اینکه در سطح محلی ظرفیت لازم برای درک افزایش نیرو و کاهش یافته و بستر لازم و مکفی برای کمک به نیروهای ایالات متحده و ناتو وجود ندارد. به عبارت دیگر افزایش نیروها باعث تشدید حجم درگیری شده و نظامی کردن مرز میان افغانستان به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. ارتش ملی افغان<sup>۵</sup> (ANA) توانایی تامین امنیت را در کشور ندارد و اگر به نرخ بالای فرسایش و تخریب و عدم توازن قومی<sup>۶</sup>

1. moderate Taliban
2. counterterrorism
3. counterinsurgency
4. Pashtun tribal belt
5. Afghan National Army
6. ethnic imbalances

دقت شود این مسئله ابعاد پیچیده‌تری نیز خواهد یافت. مذاکره با طالبان یکی از ابزارهای در دسترس ایالات متحده به شمار می‌رود اما میزان عملیاتی بودن و اجرایی بودن چندان واضح نیست فقدان دانش عمومی، عدم وجود میانجی معتبر و مسئولیت نیل به تفاهم و مذاکره را تحت الشعاع قرار می‌دهد. استراتژی جدید ایالات متحده<sup>۱</sup> شورش در افغانستان و نزاع طلبی در پاکستان را در یک واحد ژئوپلیتیکی درهم می‌آمیزد و در نتیجه خطر جنگ را گسترش می‌دهد. هر چند می‌توان به در هم تنیدگی جنبه‌های مختلف تهدید اذعان کرد این استراتژی ماهیت شورش در هر دو سوی خط دوراند<sup>(۳۷)</sup> بسیار ساده فرض کرده و نمی‌تواند درک درستی از تفاوت‌های دو کشور همسایه از نظر توانایی‌ها و خط سیر ارائه کند این استراتژی ممکن است حساسیت‌های مرزی را افزایش داده و به اصطکاک بیشتر میان این دو کشور همسایه منجر شود و تلاشها برای از بین بردن شورش‌ها و حملات را با شکست مواجه کند استراتژی ایالات متحده مبنی بر یک تغییر راهبردی در قبال پاکستان است چرا که بر نابودی تهدیدات مبارزه جویان در مناطق قبیله‌ای تحت کنترل دولت<sup>۲</sup> تاکید دو چندان نموده است. فشار بر پاکستان برای انجام اقدام جدی‌تر بعد دیگری از سیاست ایالات متحده است اما واقعیت این است که چنین اقداماتی تنها به شکاف میان پاکستان و آمریکا از یک سو و مردم محلی افغانستان با ایالات متحده از سوی دیگر می‌انجامد. نکته آنکه بدون پیگیری یک راهبرد بشر دوستانه<sup>۳</sup> و مبتنی بر بازسازی، عملیات نظامی تنها به گسترش دامنه شورش‌ها و نا آرامی‌ها و درگیری‌ها انجامیده شدت آنرا گسترش خواهد داد. افزایش همگرایی میان قومیت‌های پشتون و بنیادگرایی اسلامی در این منطقه چالش دیگری است که ممکن است ایالات متحده را با مشکلات جبران ناپذیری مواجه سازد.

- 
1. AfPak strategy
  2. Federally Administered Tribal Areas
  3. humanitarian

## دستاورد

پس از گذشت ۸ سال از شروع جنگ با تروریسم نه تنها گروه‌های تروریستی محدود نشده‌اند بلکه نگاهی به تحولات سالهای اخیر نشان می‌دهد که این گروه‌ها گسترش یافته و حوزه فعالیت‌های این گروه‌ها دامنه وسیع‌تری یافته است و دامنه آن به کشورهای همسایه افغانستان یعنی پاکستان و هند نیز کشیده شده است و گروه‌های مبارزه جو نیز در پیکار خود با نیروهای ائتلاف متحدتر نیز شده‌اند در نتیجه مقاومت به رفتار ایدئولوژیک گروه‌های افراطی و مشخصه بارز آنها در این کشورها تبدیل شده است از طرفی گروه‌های مبارزه جو بومی انگیزه‌های لازم برای پذیرش طرح‌های مورد نظر غرب را ندارد چرا که تا حدودی توانسته‌اند در جامعه افغان نفوذ کنند و نگرش آنها بر این مسئله استوار است که آنها بر نیروهای خارجی پیروز خواند شد و نیروهای بیگانه را از کشورشان بیرون خواهند کرد. اتحاد میان گروه‌های مبارزه جو در افغانستان و پاکستان، اشتباهات اطلاعاتی نیروهای خارجی، فرسایش بالای نیروها، عدم توازن قومی، تجهیزات ناکافی، جنگ سی ساله در میان گروه‌های مختلف قومی و قبیله‌ای و فرقه‌های سیاسی، تنش‌های فزاینده میان نیروهای طالبان و نیروهای ائتلاف، ضعف اداری و سیاسی دولت افغانستان و پاکستان که با فساد در آمیخته، کمبود دانش تخصصی و جمعیت تحصیلکرده از ابعاد داخلی چالش‌های ایالات متحده در این کشورها هستند. بیم آن می‌رود با گسترش جنگ رفته رفته دامنه درگیری به کشورهای همسایه نیز کشیده شود دولت هند معتقد است پاکستان از کمک‌های ایالات متحده در جنگ با مبارزان افراطی استفاده ابزاری کرده و از امکاناتی که ایالات متحده در اختیارش نهاده بهره می‌جوید به‌رغم عملیات گسترده نظامی در شمال غرب این کشور، دولت پاکستان تمایل چندانی در به چالش کشیدن طالبان و سایر گروه‌های جهاد گرا ندارد و استقرار امنیت در این کشور را، منوط به ممانعت از اتحاد افغانستان با هند تلقی می‌کنند از طرفی اتحاد با بخشی از نیروهای افغان طالبان بعنوان اقدامی استراتژیک برای جلوگیری از این تهدید یعنی اتحاد افغانستان با هند است. دولت پاکستان از گروه‌های تروریستی

برای انجام عملیات تروریستی در هند و نفوذ در افغانستان بهره می‌جوید و همواره نگران بوده که با قدرت‌گیری هند در منطقه منزوی شود و به همین دلیل از برخی گروه‌های افراطی برای اعمال نفوذ در هند و تهدید امنیت این کشور استفاده کرده است پس از عملیات تروریستی در هند در سال ۲۰۰۸ هند نیز به ارتباط پاکستان با آن پی برد لذا ابعاد چالش‌های داخلی و منطقه‌ای بحران مسئله بسیار مهم است که حاکی از عدم به‌کارگیری استراتژی مناسب ایالات متحده در جنگ با تروریسم و نداشتن آگاهی کامل نسبت به اوضاع بومی، منطقه‌ای و فرهنگی منطقه است به عبارت دیگر در بسیاری از مواقع تاکید نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده بر قدرت سخت است عاملی که به افراطی‌تر شدن اوضاع انجامیده است و با کشتار وسیع غیر نظامیان همراه بوده است. تکیه صرف بر عامل نظامی باعث عدم توجه به ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و بومی منطقه شده و تلاش‌های صورت گرفته را به حاشیه می‌راند در صورتی که استراتژی منسجم می‌بایستی مبتنی بر توجه ویژه به ساختارهای بومی، فرهنگی و اقتصادی و مبتنی بر قدرت هوشمند باشد و نه تزریق ارزشهای مورد نظر با تکیه صرف بر ابزار قدرت سخت. ❖

## پی‌نوشت‌ها:

1. Martin Griffith, Terry O'Callaghan and Steven C. Roach, *International Relations, The Key Concept*, New York, 2008, p. 331.

۲. بر اساس گزارش سازمان ملل با بالاگرفتن خشونت‌ها در افغانستان تنها در سال ۲۰۰۸، ۵۰۰۰ نفر در افغانستان کشته شده که ۲۱۰۰ نفر از آنها شهروندان افغان بودند. این آمار ۴۰٪ افزایش را نسبت به سال قبل از آنرا نشان می‌دهد.

3. Alex P Schmid and Garry F Hindle, *After the War on Terror: Regional and Multilateral Perspectives on Counter-Terrorism Strategy*, London: Published by RUSI Books, 2009, p. 35.

4. Achievements and Challenges: Obama's Foreign Policy and the Road Ahead, HE Louis Susman, Ambassador of the United States of America to the United Kingdom, [http://www.chathamhouse.org.uk/files/15893\\_040210susman.pdf](http://www.chathamhouse.org.uk/files/15893_040210susman.pdf)

5. Adam Raberts, "Doctrine and Reality in Afghanistan", *Survival*, Vol. 51, No. 1 February–March 2009.

6. Paul Wolfowitz, on CBS TV, 'Face the Nation', 18 November 2001, transcript available: <http://www.defenselink.mil/transcripts/transcript.aspx?transcriptid=2442>.

۷. ریچارد هالبروک فرستاده ویژه آمریکا به افغانستان و پاکستان هشدار داده است که نیروهای ائتلاف در افغانستان موفق نخواهند شد مگر اینکه پاکستان بتواند مناطق قبیله‌ای را تحت کنترل و سیطره خود در آورد.

در این رابطه نکته‌ای که وجود دارد این است که ایالات متحده و نیروهای ائتلاف رفته رفته اعتبار خود را از دست می‌دهند و طالبان که خود را مبارزان راه آزادی (freedom fighters) می‌نامند در حال پیشرفتند و با انگیزه بیشتر به عملیات خود علیه ناتو شدت می‌بخشند. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

<http://stradis.blogspot.com/2009/11/obama-between-idealism-and-realism.html>

۸. به این مسائل مهم معمولاً در تجزیه و تحلیل‌های نیروهای ائتلاف توجه نمی‌شود.  
 ۹. نیروهای طالبان در پاکستان، ملا عمر را به عنوان رهبری جنبش طالبان پذیرفته‌اند هر چند بطور مستقل اقدامات خود را انجام می‌دهند.

10. Is There a Middle Way? Author: Stephen Biddle, Roger Hertog Senior Fellow for Defense Policy, [http://www.cfr.org/publication/20504/is\\_there\\_a\\_middle\\_way.htm](http://www.cfr.org/publication/20504/is_there_a_middle_way.htm)

11. Peter Beaumont, Intelligence failures crippling fight against insurgents in Afghanistan, says report, The Guardian, Friday 6 March 2009 <http://www.guardian.co.uk/world/2009/mar/06/us-intelligence-afghanistan>

12. Taliban's leadership council runs Afghan war from Pakistan, Declan Walsh in Islamabad, guardian.co.uk, Friday 29 January <http://www.guardian.co.uk/world/2010/jan/29/taliban-quetta-shura>

۱۳. یکی از فرماندهان نظامی محلی معتقد است که اکثریت مردم محلی، حضور نیروهای آمریکایی در کشورشان را برابر با اشغال می‌دانند. بیش از ۱۴۰۰ سرباز پاکستانی از سال ۲۰۰۱ کشته شده و ۴۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند.

۱۴. اکثریت مردم پاکستان بر این باورند که حمله یازده سپتامبر عملی تروریستی از سوی نیروهای کار القاعده نبوده است بلکه اقدام دولت بوش یا اسرائیل برای ایجاد بهانه در حمله به افغانستان و تسلط بر دنیای اسلام بوده است این باور در بین بخش وسیعی از جامعه پاکستان رایج است بخشی که سربازان و رده‌های مختلف نیروهای نظامی این کشور را نیز در بر می‌گیرد.

۱۵. (Mohajir) جمعیتی که در دوران استقلال بدین منطقه مهاجرت نموده‌اند و در قالب جنبش متحد اقوامی (Muttahida Quami Movement (MQM)) فعالیت می‌کنند.

۱۶. در سالهای گذشته مناسبات میان افغانستان و پاکستان روند مطلوبی را طی نکرده است مقامات افغان دولت پاکستان را در ناآرامی‌های کشور خود مقصر می‌خواندند و در پی آن بودند که جامعه جهانی و در راس آمریکا را هم با این دیدگاه همسو کنند. نشست سه جانبه واشنگتن با حضور ایالات متحده، افغانستان و پاکستان در سال ۲۰۰۷ برای تقویت رابطه این دو کشور همسایه بود. از نظر تحلیلی دیدار اخیر مقامات افغانستان و پاکستان با اواما با تغییراتی همراه بود تغییر در ساختار نظام پاکستان و استراتژی و دکترین اواما (این تغییر در راستای ایجاد ثبات سیاسی قابل درک است بدین معنا که باید میزان مبارزات مسلحانه در برابر تروریسم بین‌المللی با میزان حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ای هماهنگ

باشد).

۱۷. اقدامات تاکتیکی نظیر حملات نظامی برای افزایش فشارها بر القاعده و نیروهای طالبان نتوانسته دستاورد قابل توجهی داشته باشد و اتفاقاً منجر به تضعیف اعتبار دولت شده است.

۱۸. انتخابات فوریه ۲۰۰۸ در چارچوب تغییرات سیاسی در این کشور قابل درک است روی کارآمدن دولتی غیر نظامی افزایش کمک‌ها به مردم پاکستان از طریق برنامه‌های آموزشی، اقتصادی، انرژی و فاصله گرفتن از فضای نظامی از ویژگیهای تغییرات صورت گرفته است.

19. Achievements and Challenges: Obama's Foreign Policy and the Road Ahead, HE Louis Susman, Ambassador of the United States of America to the United Kingdom, [http://www.chathamhouse.org.uk/files/15893\\_040210susman.pdf](http://www.chathamhouse.org.uk/files/15893_040210susman.pdf)

20. [http://www.cfr.org/publication/20741/pakistani\\_partnerships\\_with\\_the\\_united\\_states.html](http://www.cfr.org/publication/20741/pakistani_partnerships_with_the_united_states.html), Daniel Markey, Senior Fellow for India, Pakistan, and South Asia

۲۱. با تمام اینها یکی از فرماندهان نظامی محلی در پاکستان معتقد است که اکثریت مردم محلی، حضور نیروهای آمریکایی در کشورشان را برابر با اشغال می‌دانند.

22. Partnership for progress, advancing a new strategy for prosperity and stability in Pakistan and the region, Caroline Wadhams, Brian Katulis, Lawrence Korb, and Colin Cookman, November 2008

۲۳. دولت هند اخیراً دستوره دستگیری یکی از مقامات نظامی پاکستان به نام شرننگ سادات الله (Sadatullah) را صادر کرده و وی را متهم به دست داشتن در حملات انتحاری اخیر در هند و داشتن ارتباط با تروریستها از طریق ایمیل، کرده است.

۲۴. یکی از مقامات دولت هند گفت "دولت پاکستان می‌خواهد که به دنیا بقبولاند که این کشور دستخوش ناامنی است و نیاز به کمک همه جاتیه دارد اما کمک مالی و اقتصادی به آنان مانند دادن بطری به شخصی مست است"

25. Taliban's leadership council runs Afghan war from Pakistan, <http://www.guardian.co.uk/world/2010/jan/29/taliban-quetta-shura>

26. <http://ipis.ir/PageItem-336.aspx>

۲۷. خط دوراند (Durand line) به مرز میان افغانستان و پاکستان اشاره دارد و امتداد آن ۲۶۴۰ کیلو متر می‌باشد.